

خانواده دانگ تایی مایی از زمان کودکی او ضدحکومت استعمار گرا، در ستیزه و کشمکش بودند؛ چنان که چهل سال از شصت و شش سال عمر دانگ در خدمت انقلاب سپری شده است. در ۱۹۱۹ پلدریزرگش در ۷۴ سالگی در زندان بدرود زندگی گفت. پدرش محکوم به حبس ابد در جزیره پوئولو^(۲) کوندرا شد و در ۱۹۲۳ در همان جا دیده از جهان فروبست. خود دانگ تایی مایی هم وقتی نخستین بار در ۱۹۲۸ به زندان افکنده شد، دست از حرفه ادیبانه خود فرو نهاد. دانگ تایی مایی می گوید:

«اگرچه ما ضدفرانسویان جنگیدیم، اما با زندگی آمیخته به فرهنگ آنان به رشد رسیدیم. ما از ادبیات و هنر فرانسوی بهره ای فراوان گرفتیم و طبق فلسفه اروپائی روزگاران را سپری کردیم. ما آثار افلاطون، کانت، شوپنهاور، برگن را خواندیم. پس از پایان جنگ جهانی اول با نوشته های هوشی مینه در او رو، و نشریه خودش «پاریا» آشنا شدیم. توسط او آثار مارکس، انگلس و لنین را هم مطالعه کردیم.

«پس از آنکه ضدیت بورژوازی با سیاست مستعمراتی با شکست رویه رو شد، هوشی مینه برای ما دانش آموزان حضور خود را از دست داد، اما هنوز برایمان مهمترین معلم بود. انقلاب چینها هم ما را تشجیع کرد. در آن زمان می گفتیم: برای ما روشنائی از شمال می آید.

«نیروهائی که در چین توسعه یافتند، برای ما سرمشق و عبرتی شدند. اما می دانستیم که در کشور عقب مانده مان خودمان باید راه حل را بیابیم. در چین نخستین بار شکل جدیدی از انقلاب آزمایش شد که «جامعه زمینی آسیایی» بود و از افکار استالین یا تروتسکی سرچشمه نمی گرفت. بار دیگر برایمان

مشهود گشت که تاریخ نمی داند کی و در کجا این حوادث پیوسته رخ می دهند.

«اگرچه انقلاب، پس از زوال آئین اجتماعی نیمه فئودال، توسط چیانگ کاتیک متوقف شد، در چین آن زمان حتی عناصر آزادی وجود داشت اما در ویتنام تحت استعمار هنوز حضوری از آزادی قابل لمس نبود. همزمان خودمان را با موضوع و وظیفه ادبیات نیز مشغول می داشتیم. می کوشیدیم طوری تصمیم بگیریم که با نوشتن به تغییری در افکار و اعمال دست یابیم.

«توانستیم ادبیات گذشته خود را با نشان دادن آدمی مظلوم، برده و عامی و بی سواد که اکنون آزاد، بی نیاز و خودآگاه گشته است، معرفی کنیم. توانستیم وضع خود را در سانسور روزنامه ها و تحریم در نوشتن باز یابیم.

«لوشون نویسنده برگزیده و محبوب من بود. توصیفهای او از مردم چین در دوره تحولات انقلابی برایم شایان تقلید و نمونه بودند. او آدمی بی تزویر، صاف و ساده، پرتحرک، جدی و لبریز از تندی و مزاح و بذله بود. در سیاست پایبند اصول بود، اما در آثارش تناقضات و خلاف گوئیهای انسانی پیوسته لایه های فراوانی داشت، و غالباً ناهماهنگ بودند. او به من نشان داد که هیچ شکل و مسأله ای با وسائل مکانیکی یا ماشینی حل نمی شود.

«پس از تأسیس حزب کمونیست هند و چین، ناگزیر شدم در یک دبیرستان خصوصی به عنوان معلم تدریس کنم.»

«ادبیات فرانسه، کلاسیک و مدرن، به قلبم نزدیک بود. در آن ارزشهای رفیع اخلاقی و معنوی یافتیم. مع هذا این هنر نمی توانست راه حلی برای وضع بد و گرفتارهایمان عرضه بدارد. در سالهای پیش از جنگ جهانی دوم، که در این زمان ما

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آغاز ادبیات

پنهانی زندگی می کردیم، و اشعار و بیانیه‌ها در زندانها نوشته می شدند و یا آنها را از خارج برایمان می فرستادند، دیگر زمینه ای برای زیست و موجودیت وجود نداشت. بدبختی مردم، کارگران، باربران در شهرها غیر قابل وصف بود... هانوی شهر فساد و تباهی شده بود. مردم از گرسنگی در خیابانها می مردند. کودکان گدائی می کردند. زنان در آستانه در خانه هایشان، می ایستادند و رفتاری چون رفتار رومیپیان داشتند. درحقیقت به دنیایی گام نهاده بودیم که محکوم به مرگ و زوال بود.

در ایام استعماری بسیاری از نویسندگان ویتنامی در حاشیه و یا کاملاً خارج از اجتماع زندگی می کردند. اگرچه به مدرسه رفته بودند، بیشتر به طبقه کارگر شباهت داشتند تا به طبقه تحصیل کرده. آن قدر فقیر و تهیدست بودند که نمی توانستند آنان را در زمره روشنفکران بدانند. برخی از آنان در قطارهای باری کار می کردند و برخی دیگر معلمانی سیار یا کارگران مزرعه بودند. بندرت یکی از آنان فرصت می یافت پشت میز بنشیند و کتابش را بنویسد. نگوین هونگ یکی از نخستین نویسندگانی بود که به نظام مستعمراتی اعتراض کرد و در ۱۷ سالگی در زندان به نوشتن پرداخت.

نگوین دینه چیو به مکتب کلاسیک تعلق داشت و نوشته هایش را با دستخط خودش انتشار می داد. به خاطر موضوعهائی که برمی گزید، او را از پیشروان ادبیات مدرن به حساب آورده اند. فرانسویان کوشیدند او را به سوی خود بکشند، اما توفیقی در این کار به دست نیاوردند و سرانجام این نویسنده رنج دیده، در فقر و ناپیئانی بدرود زندگی گفت. دستخط لاتینی در قرن هفدهم به وسیله دریانوردان اسپانیایی

و بازرگانان به منظور تبلیغ مسیحیت و تهیه قراردادهای تجاری ارائه گشت که هنوز نشانه هائی از آن در دستخطهای ویتنامی یافت می شود. اندکی پیش از جنگ جهانی اول دستخط اروپائی در ادبیات ویتنام رایج شد. ادبیات جدیدتر با دستخط اروپائی به چاپ رسید، اما ویتنامیها از تحصیلات آکادمیک در دانشگاههای فرانسوی محروم ماندند. تنها در ۱۹۳۰ بود که یک ویتنامی درجه دکترا گرفت.

نثر مدرن تقریباً از ۱۹۲۰ آغاز می شود. کتابهائی که اجازه چاپ گرفتند متعلق به نویسندگان بورژوازی مرفقی بودند. گرایش و سبک آنان ضدثووال بود. با این حال، آنها ناگزیر بودند زبانی نهانی و سری برای انتقاد خود از سیاست استعماری بیابند یا خطر توقیف آثارشان را پذیرا شوند. بخش انقلابی این ادبیات غیرمجاز به شمار می آمد.

گفته ای از هوشی مینه بر سر زبانها افتاد که «در فقر پاک بمانید و حتی در لباسهای مندرس نامتان را خوب نگاه دارید.» که این گفته سرمشقی برای رفتار آدمها در دوران زندانهای سیاسی و اردوگاههای کار اجباری شد. معنا و مفهوم ادبیانه گفته هوشی مینه در این حقیقت نهفته است که زبانش سادگی و بی ریایی آشکار تفکرات مردم را دارد. او تعلیماتش را به گونه قصه گوینان ده اقامه می کرد. جزوات و رساله هایش را روستائیان بی درنگ درک می کردند. سنت انسان گرایانه ادبیات کلاسیک، که در جست و جوی عدالت و وضعی درخور بشریت بود، هوشیارانه با کار و وظیفه سیاسی ارتباط پیدا کرد.

در ۱۹۴۱ هوشی مینه پس از تبعید بازگشت و در غاری در کوههای استان شمالی کاتویانگ به زندگی خود ادامه داد. در این اختفا، که تصمیم گرفت مقاومت مسلحانه را در نظر بگیرد، در میان دیگر آثارش این قطعه شعر را می خوانیم:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

گفت و گوئی با «دانگ تایی مایی»
رئیس انجمن نویسندگان

ت مدرن

صبح زود به جویبار می روم

شبانهنگاه به غارم بازمی گردم

سوپ ذرت، شاخه خیزران آماده است

سنگی چون ظرفی به من خدمت می کند

زندگی انقلابی چه شکوهمند است.

سالها بعد با چندتن از مصاحبان خود که با آنان نقشه انقلاب

را در سر می پرورانید، به آن غار رفت و گفت: «شما به خانه ام

بروید، من همین جا کنار جویبار می مانم. و روی تکه کاغذی

نوشت:

بیست سال پیش من در این غار زندگی می کردم

پس از هر گامی علفها را صاف می کردم

تا رد پاهایم را پنهان کنم.

از این جا نبرد و پیکار ضدزاینپهای فرانسوی آغاز شد

انقلاب پیروز شد.

امروز کوهها و جویباران چه شکوهمندند. و اما پندهای او:

پیش از این که سخن بگوئید، فکر کنید

وقتی عمل می کنید، قاطع باشید

ویتنام فتودال سخن به میان می آورد.

وقتی فرماندار کل دولت ویشی با زاینپها همکاری داشت،

مطبوعات فرانسوی و اداره تبلیغات به سانسور ادامه می دادند.

رئیس اداره تبلیغات که شخصی به نام کوسیو بود و پالودگیهای

زیان ویتنامی را می دانست، بی درنگ این رمان را از گردش

خارج کرد. چندسال بعد، طی جنگهای مقاومت نکوتات تو

کشته شد.

یکی دیگر از قربانیان سانسورچیان، نام کاتو بود که در

۱۹۴۰ به خاطر نوشتن رمانچه خود به نام «چی فیو» شهرت پیدا

کرد. رئالیسم گزنده نشر نام کاتو او را تا حد یک نویسنده مدرن

ترقی داد. در این داستان زندگی یک روستائی بی زمین به تصویر

کشیده می شود که از شدت نومیدی و محرومیت به الکل پناه

می برد، اما با این حال، در این سقوط هنوز نیروئی کهن به

وضوح نمایان است. وقتی سرانجام در نفرت و مستی یک مأمور

لشگری را به قتل می رساند، این او نیست که مجرم است، بلکه

اجتماع است که او را از هر فرصتی برای داشتن یک زندگی

عادی محروم کرده است.

● ما توانستیم ادبیات گذشته خود را با نشان دادن آدمی مظلوم، برده و عامی و بی سواد که اکنون آزاده، بی نیاز و خود آگاه گشته است معرفی کنیم.

کاتو به عنوان معلم، کارگر مزرعه و باربر روزگار

گذرانید، اما بیماری او را ناتوان کرد و مرد آواره و خانه به دوشی

شد. در این سالهای آوارگی و ناتوانی دوپست صفحه از رمانش

را به نام «یک زندگی بی ثمر» به رشته تحریر درآورد که کتابی

است درباره زوال، روحی و جسمانی مردم در هائوی اشغال

شده که پیش از انقلاب، تنها عده کمی این کتاب را که در

۱۹۴۴ به اتمام رسید، خوانده بودند اما همین اثر نام او را به

عنوان نویسنده ای بزرگ از ویتنام بازشناساند. این رمان در

۱۹۵۵ پس از مرگش به چاپ رسید. به رغم بیماری خود- از

کمبود ویتامین ب و نارسائی قلب نیز رنج می برد، مع هذا در

جنگهای مسلحانه مقاومت شرکت کرد- و در کار تنویر افکار

سهمی بسزا داشت. در جنگل زیست و در آن جا دفتر خاطرات و

مجموعه ای از داستانهای کوتاه خود را نوشت. یک کتاب

جغرافیای هم به رشته تحریر درآورد تا در نواحی آزادشده

مورد استفاده قرار گیرد. هنگام جنگ در استانهای شمالی،

کتاب «داستانهایی از زمین مرزی» او انتشار یافت و در نوامبر

۱۹۵۱، هنگامی که به عنوان عامل یک حزب کار می کرد، در

وقتی می نویسید، احتیاط کنید

در مواقع بحرانی آرام و هوشیار باشید

وقتی به هیجان می آئید، بر خود مسلط باشید

سوادزدگی و غمغان را فراموش کنید

از علائق شخصی خود به خاطر کاری بزرگ چشم پوشید.

نگوتات تو یکی از پایه گذاران نشر جدید است که به رغم

کارهای دولتی کتابهایی درباره زندگی روستائیان نوشت. رمان

«چراغ خاموش می شود» که رخصت گرفت تا در ۱۹۳۸ به

چاپ برسد، از سیستمی که کشاورزان کوچک را زجر و آزار

می داد، سخن به میان می آورد. شخصیت اصلی این رمان زنی

است که باید مدام مالیات عمده ای برای شوهر متوفای خود

بپردازد. به مراجع و مقامات مربوطه متوسل می شود، اما سودی

عایدش نمی گردد، ناگزیر بجه اش را می فروشد و خود دایه

شیرده می شود.

در ۱۹۴۲ هنگامی که زاینپها ویتنام را اشغال کرده بودند،

نگوتات تو رمان «کلبه و تختخواب خیزرانی» را نوشت که ظاهراً

اثری تاریخی است که از بردگی ذهنی، اختلافات طبقاتی در

نواحی ویتنامی رود سرخ دستگیر شد و فرانسویها اعدامش کردند.

نگوین توآن کار خود را با توصیفها و تصاویری طعنه آمیز از ویتنام کهن آغاز کرد. رمان «پژواک و سایه» او طینی است از زمانی که بورژوازی از روش فئودالی زندگی سر از خواب برداشت و نبرد خود را علیه سیاست استعماری آغاز کرد. او با زبانی سوفسطائی و مشاهداتی دقیق رفتار آدمی را در این اثر به تصویر می کشد و از زیبایی و پاکی هنر از دست رفته سخن به میان می آورد، او حتی از هنر جای نوشیدن و گردن زدن نیز حرف می زند.

نگوین توآن در کتاب دوم خود به نام «به افتخار خودم» به شرح زندگی خود می پردازد. از طعنه و سخریه درمی گذرد و با زبانی تلخ به انتقاد از خود می پردازد. در صحنه ای از آماده کردن خود برای خودکشی حرف می زند. شب هنگام با تپانچه خود به پارک می رود. کنار دریاچه می ایستد و فریادهایی از دور به گوشش می رسد. در دریاچه انعکاس چهره خودش را می بیند: چهره یک روشنفکر که از خود مأیوس شده. تپانچه را بالا

درآمد که این داستان را در خود دارد: در ویتنام کهن که ستمگری بر آن حکومت می راند، معمار مشهوری زندگی می کند. امپراتور به او مأموریت می دهد تا قصری بسازد که برتر از تمام دژها و قصرها باشد. معمار در تقبل این طرح مردد است، چراکه می داند ساختن چنین قصری از لحاظ رنج و مالیات چه بر سر مردم خواهد آورد. امپراتور ستمگر معمار را تهدید می کند که اگر خواسته او را برآورده نکند، سرش را خواهد برید. معمار تسلیم نمی شود. اما بعد امپراتور برایش توضیح می دهد که این قصر را برای خودش نمی خواهد، بلکه برای سعادت تمام ملت است. اکنون معمار متقاعد می شود که قصر را بسازد. تمام صنعتگران و کارگران را از تمام بخشهای شهر فرامی خواند. ساختن قصر سالها به طول می کشد تا به اتمام برسد؛ بیاج و خراجهای فراوانی به زور از مردم گرفته شد، بدبختی و فلاکت و گرسنگی انسانهای بیچاره به ستوه می آورد و شهر را در خود می گیرد. وقتی سرانجام ساختن قصر به اتمام می رسد آشوب و بی قراری رخ نشان می دهد. مردم به قصر یورش می برند، آن را به آتش می کشند، و امپراتور را بیرون

● رمان «پژواک و سایه» طینی است از زمانی که بورژوازی از روش فئودالی زندگی سر از خواب برداشت و نبرد خود را علیه سیاست استعماری آغاز کرد.

می براند. اما درباره معمار قضاوت می کنند که مقصر و مجرم اصلی اوست. از این رو به مرگ محکوم می شود و معمار با میل تن به این مجازات می دهد تا سر از بدنش جدا کنند.

پس از این نمایشنامه، روشنفکرانی که رخصت می دادند تا خاکمان آنان را بخرند و منافع مردم را نادیده بگیرند، یعنی هنرمندانی که آثارشان به مردم کمکی نکند، به خود آمدند و پند گرفتند.

نگوین های تونگ نمایشنامه دیگری به نام باسون نوشته است. باسون یک منطقه کوهستانی در شمال ویتنام است که نهد اولیه فرهنگ و تمدن این سرزمین است و مردم با هر پیشه و حرفه ای و در هر سطحی از مقام اجتماعی که بودند به گرد هم آمدند و به عملیات پارتیزانی پرداختند. از همین جا ویتامینها بر ضد نیروی استعماری ژاپنی - فرانسوی یورش بردند.

یکی دیگر از آثار نگوین های تونگ «آتهائی که در وطن ماندند» نام دارد. شخصیت اصلی آن، دکتر است که نمی تواند بدرستی تصمیم بگیرد. او هنگام جنگ آزادیبخش در نیمه راه انقلاب، از انقلاب دست می کشد. □

می برد اما در همین موقع بار دیگر فریادهائی از خیابانها به گوشش می رسد. زندگی اش بی معناست، آن گلوله ای که لحظه ای بعد به زندگی اش پایان می دهد نیز بی معناست؛ و فریادهائی که در شهر طنین افکنند. حتی فکر خودکشی هم نمی تواند شأن و بزرگی ای به او بدهد.

نگوین توآن به خاطر فردگرایی و زیباپرستی درگیر انقلاب می شود. همانند دیگر نویسندگان که آثارشان نیروی زیست را ابقا می کنند، او نیز بر اثر حوادث تغییر شکل می دهد. او که زمانی اوقاتش را در بازتاب دادن رنجوری و پریشانیهای خود ضایع می کرد، اکنون در فعالیتهای ارتش آزادی بخش کشور خود شرکت می کرد. ناگهان زمانی فرارسید که نتایج کوشش دوره های ده ساله پدیدار گشت. اقدامات مقدماتی، تحمل و پایداری گروهها، نقشه آفرینیهای دقیق تشکیل دادن نیروهای مسلح مقاومت اکنون وارد مرحله ای از اعمال جدی گردید.

نگوین های تونگ در میان درام نویسان جدید، کسی است که آواز و مکالمه در نمایش را رها کرد. نخستین نمایشنامه او و نهوتو به هنگام اشغال ویتنام به وسیله ژاپنیها به رشته تحریر